

آیا نظام مالیاتی هنوز هم "قلم ظلم" است؟

گفتگو با دکتر اسدالله مرتضوی، استاد اقتصاد سیاسی و صاحب‌نظر در امور مالیاتی

اشاره

مطابق مفاد بند الف ماده ۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، باید «تا پایان برنامه چهارم، اعتبارات هزینه‌ای دولت به‌طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی تامین شود.» علاوه بر این، چندی پیش، مجمع تشخیص مصلحت نظام هم سیاست‌های ناظر بر نظام مالیاتی کشور را تدوین و تصویب کرده و مقرر داشته است که نظام مالیاتی کشور باید به گونه‌ای اصلاح شود که ضمن ترویج فرهنگ مالیاتی، بتواند سطح رفاه عمومی را افزایش دهد، موجب رونق تولید و سرمایه‌گذاری شود و عدالت مالیاتی را گسترش دهد.

از سوی دیگر، در اواخر سال گذشته، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور در گفتگوهایی با رسانه‌ها ضمن گزارش عملکرد سازمان امور مالیاتی کشور در سال ۱۳۸۳ به چند محور اشاره کرده است. یکی از این محورها بحث رویکرد دستگاه مالیاتی در سال‌های اخیر به مقوله اعتمادسازی است. وی در این زمینه گفته است: بهترین روش برای افزایش اعتمادسازی، توسعه خوداظهاری مالیاتی

است و سازمان امور مالیاتی کشور در دو سال اخیر با اجرای روش خوداظهاری، موفقیت‌های زیادی به‌دست آورده است. نکته دومی که مورد توجه این مقام قرار داشته، پدیده فرار مالیاتی است. او در این زمینه به ناکارآمدی دستگاه مالیاتی و همچنین به مشکلات ساختار اقتصادی کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: دستگاه مالیاتی کشور هنوز نظام جامع اطلاعات مالیاتی ندارد و در نتیجه، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی برای دستگاه مالیاتی ناشناخته است و صاحبان این فعالیت‌ها هم از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. وی در ادامه سخنان خود دریافت مالیات به صورت تشخیص‌های علی‌الرأس را هم از دیگر عوامل فرار مالیاتی معرفی می‌کند و سپس به لایه‌های زیرین و اشکالات ناشی از ساختار اقتصادی توجه می‌کند: اقتصاد زیرزمینی، قساقاق و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی پنهان، از چرخه اقتصادی کشور خارج است و برای دستگاه مالیاتی نیز ناشناخته می‌باشد و موجب تشدید فرار مالیاتی شده است.

سومین محوری که در گفتگوهایی مطبوعاتی این مقام دیده می‌شود، موضوع لایحه مالیات بر ارزش افزوده است که

قرار است به جای قانون تجمیع عوارض بنشینند و در سال اول اجرا، حدود دوهزار میلیارد تومان درآمدزایی داشته باشد و در عین حال، به شفاف‌سازی معاملات و مبادلات اقتصادی کشور و افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بینجامد. یادآوری می‌کند که کلیات این لایحه در جلسه علنی ۳۰ فروردین ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و پس از طی بقیه مراحل و تشریفات قانونی برای اجرا ابلاغ می‌شود.

به هر حال، ابلاغ آن تکلیف قانونی و این سیاستگذاری‌ها را فرصت مناسبی دانستیم برای این که طی یک مصاحبه با دکتر اسدالله مرتضوی که از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران مجرب حوزه مالیاتی کشور است، ابتدا مروری داشته باشیم بر کلیات موضوع مهم مالیات و پیامدهای آن در ایجاد تعادل‌های اقتصادی - اجتماعی، و سپس درباره سازمان‌ها، عملکردها، نقاط ضعف و قوت و چشم‌اندازهای آتی نظام مالیاتی کشورمان صحبت کنیم.

بانک و اقتصاد

کشورهای پیشرفته اقتباس می‌شود و به اجرا درمی‌آید، اما در طی سال‌های اجرا و بنا بر ضرورت یا فشار مودیان، یا به علت عدم تطابق بین قانون با ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی کشور، تغییراتی در آن حاصل می‌شود که از آن تنها "شیری بی‌یال و دم و اشکم" باقی می‌ماند.

و اما اهداف یک نظام مالیاتی کارآمد و مترقی مشخص است: تامین بودجه دولت، کم‌کردن شکاف

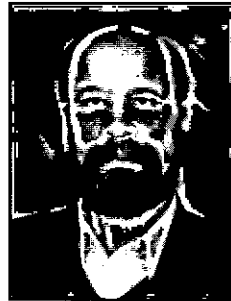
صورتی که در کشورهای پیشرفته، امر قانونگذاری مالیات با فشار و نفوذ نهادهای تخصصی و مرتبط با جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مانند حقوقدانان، حسابداران، اقتصاددانان و مردم عادی صورت می‌گیرد. بنابراین، چنین قانونی در عمل کمتر با اشکال اجرایی مواجه می‌شود. اما در کشور ما مثلاً در سال ۱۳۴۶، تحولی در امر قانونگذاری مالیات و تشکیلات اجرایی صورت می‌پذیرد و قانونی از

آقای دکتر مرتضوی، ضمن تشکر، در ابتدا بفرمایید که فلسفه برقراری مالیات و نظام مالیات‌گیری چیست؟ و این نظام در حوزه مناسبات اجتماعی و اقتصادی کشورها چه اهدافی را باید دنبال کند؟

□ اصولاً روند قانونگذاری مالیات در ایران مانند سایر کشورهای در حال توسعه به علت ضعف نهادهای مدنی، توسط دیوانسالاران تهیه و وضع می‌شود، در

طبقاتی در جامعه، هدایت سرمایه‌ها به بخش‌های مورد نظر دولت؛ مثلاً با معاف کردن بخش کشاورزی، مردم را به فعالیت در بخش کشاورزی و تامین مايحتاج عمومی که جنبه استراتژیک دارد، سوق می‌دهند. اما باید یک شق چهارمی را هم به این اصول کلاسیک که حالا دیگر ضرورت دارد، اضافه کنیم، و آن هم هماهنگی نظام مالیاتی کشور با نظام‌ها و مقررات اقتصادی و مالیاتی جهانی است، مثلاً شکل جدیدی از قراردادهای بین‌المللی هم‌اکنون اجرا می‌شود که به موجب آنها، سرمایه‌گذار خارجی در کشور اقدام به ساخت، بهره‌برداری و واگذاری یک پروژه می‌نماید که به آن BOT می‌گویند. یعنی مجری طرح، هزینه‌های انجام شده و سود خود را در طی یک دوره مثلاً پنج یا ۱۰ سال، از محل تولید و فروش محصولات خواهد برد. شکل‌های دیگر BOO و BOOT و... هستند و قراردادهای فاینانس هم شکل دیگری از تامین مالی خارجی پروژه‌ها بشمار می‌روند. در این شیوه، معمولاً سرمایه‌گذار به نسبت ۸۵ درصد سرمایه لازم پروژه را می‌پردازد و این رقم در یک مدت ۸/۵ ساله بازپرداخت می‌شود. بدیهی است که دولت ایران هم با اختیارات حاصل از قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و بند ل تبصره ۲۱ قانون بودجه سال ۸۲ تمهید و تضمین لازم را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌آورد. اما در خصوص وضع قانون مالیاتی متناسب با این نوع معاملات خارجی، در قانون مالیات‌های مستقیم پیش‌بینی لازم نشده است.

انزوای اقتصادی و مآلاً ضعف درآمدهای مالیاتی کشور خواهد شد. یادآوری می‌کنم که معمولاً قراردادهای بخش انرژی و پروژه‌های نفتی در چهارچوب همین قالب‌ها انجام می‌شود.



▶ دکتر اسدالله مرتضوی:
اگر از سازمان امور مالیاتی انتظارات بیشتری دارید، باید ساختار اقتصادی کشور را دگرگون کنید

□ / حال بفرمایید که قوانین و مقررات و همچنین ابزارهای مربوط به اجرای اینگونه قوانین در کشور ما چقدر کارآمد هستند و تا چه حدی توانایی تحقق این اهداف را داشته‌اند؟ و در هریک از زمینه‌ها تا چه حدی موفق بوده‌ایم؟ لطفاً در هر مورد عوامل موثر در کامیابی‌ها و ناکامی‌ها را نیز تشریح بفرمایید.

□ در مورد ابزارهای لازم برای اجرای این قوانین و مقررات و توانایی‌های قانونی و کامیابی‌ها و ناکامی‌ها باید گفت که قانون مالیات‌های مستقیم و نظام اجرایی آن، تلاش در این مسیر را سرلوحه کار خود قرار داده است، اما در زمینه وضع قانون، به خصوص اصلاحیه قانون مصوب ۸۰/۱۱/۲۷ اقداماتی شد که بدون کارشناسی لازم بود. در واقع، در سال ۱۳۸۰ مدیرانی که فاقد سابقه و مهارت لازم در امر حقوقی و به خصوص در حقوق مالیاتی بودند، تغییراتی را هم در اصل قانون و هم در تشکیلات اجرایی آن به وجود آوردند که آثار و نتایج منفی آن، هم‌گریبانگیر مردم مودیان شده و هم به سیستم مالیاتی کشور صدمه وارد آورده است و ناگزیر اصلاحات مجدد را ضروری ساخته است. در این مورد لازم به توضیح است که شاید در وهله اول با توجه به تنزل نرخ مالیات‌ها و افزایش معافیت‌ها، چنین به نظر برسد که قانون مردمی‌تر شده و در مسیر اصلاحات و رشد سرمایه‌گذاری است، اما پاسخ مغایر با این جنبه تئوریک را باید در عمل دید، مثلاً در اجرای اصلاحیه جدید و با افزایش بیش از ۱۰ برابر معافیت موضوع ماده ۱۰۱، مودیانی که باید از سال ۸۱ یا معاف می‌شدند یا مالیاتشان کمتر می‌شد،

در عمل با افزایش مالیات روبرو شده‌اند. به عبارت دیگر، در شرایطی که دولت مجبور می‌شود تا هر سال افزایش درآمد مالیاتی داشته باشد و وقتی که به علت مشکلات اقتصادی - سیاسی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی اندک است، تورم و تعهدات دولت هم در همه امور افزایش می‌یابد و ۶۰ درصد اقتصاد کشور زیرزمینی است و در جایی ثبت و ضبط نمی‌شود و حتی بانک‌های دولتی قانوناً از همکاری با نظام مالیاتی کشور - مگر در موارد خاص - معذورند و مردم هم تعهدی نسبت به پرداخت مالیات ندارند و فرهنگ‌سازی نشده است، سیستم مکانیزه موثری هم وجود ندارد، و عوامل منفی بسیار دیگری هم در کار هستند، بدیهی است که نظام مالیاتی چاره‌ای ندارد مگر این که برای تحقق اهداف پیش‌بینی شده در بودجه، به همان پایه‌های مالیاتی موجود روی آورد و با ترفندهای خاص خود معافیت ۱۰ برابر و تنزل نرخ مالیات موضوع ماده ۱۳۱ قانون را که در قانون قبلی تا ۵۴ درصد بود و اکنون به ۳۵ درصد کاهش یافته، با افزایش ناگهانی درآمد مودیان جبران نماید.

مودیانی که باید در اجرای اصلاحیه جدید از سال ۱۳۸۱ یا معاف می‌شدند یا مالیاتشان کمتر می‌شد، در عمل با افزایش مالیات روبرو شده‌اند!

همچنین طبق ماده ۲۷۲ قانون، اداره امور مالیاتی موظف شده است که گزارش حسابرسی مالیاتی را بدون رسیدگی قبول کند و طبق مقررات برگ تشخیص صادر نماید، اما نتیجه عملی این ماده این است که اداره دارایی حدود ۴۰ درصد درآمد خود را که از مالیات بر اشخاص حقوقی تحصیل می‌نماید، به بخش خصوصی واگذار نموده و تجربه سال‌های ۴۶ به بعد را که مخیر به پذیرش گزارش حسابرسی بود، نادیده گرفته است. از طرف دیگر، سازمان حسابرسی و حسابداران رسمی هم تکلیفی در زمینه کنکاش و ممیزی و تحصیل اسناد و مدارکی که مؤدی در اختیارشان نمی‌گذارد، برعهده ندارند و حدود وظایف خودشان برای تهیه گزارش حسابرسی مالیاتی و تعیین درآمد مشمول مالیات را منحصر به همان اسناد و مدارک و بیلان‌های مالی مودیان می‌دانند. در نتیجه، سیستم مالیاتی کشور برای جبران این نقیصه قانونی، میادرت به صدور دستورالعمل‌هایی برای ماموران خود

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور:
دستگاه مالیاتی کشور هنوز نظام جامع اطلاعات مالیاتی ندارد و در نتیجه، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی برای دستگاه مالیاتی ناشناخته است و صاحبان این فعالیت‌ها هم از پرداخت مالیات فرار می‌کنند.

مورد دیگر، معاملات اینترنتی است که رفته‌رفته جای خود را در معاملات خارجی باز می‌کند و از نظر حقوق مالیاتی دارای اثراتی است که جا دارد پیش‌بینی‌های لازم در این باره انجام شود. مسلماً نادیده گرفتن تحولات اقتصادی - مالی در جهان سبب

نموده تا دقت لازم در گزارش حسابرسی به عمل آورند و در صورت لزوم، مالیات مجدد و متمم، علاوه بر مالیات تعیین شده به وسیله حسابداران رسمی را مطالبه کنند. همچنین است تعیین نرخ مالیات بر سرقفلی به میزان دو درصد که تقریباً صرف هزینه آن می شود. با اینهمه، سازمان امور مالیاتی کشور تاکنون توانسته است مبلغ پیش بینی شده در بودجه برای درآمدهای مالیاتی را تأمین نماید.

در قانون مالیات ها یک چیز کم است و آن هم ماده ای است برای رسیدن به درآمد واقعی یک مؤدی.

به نظر می رسد که دو عامل مهم در ناکارآمدی سیاست ها و نظام های مالیاتی در کشور ما نقش اساسی دارند: یکی، وابستگی شدید دولت ها به درآمدهای ارزی و ربالی ناشی از صادرات نفت خام و احساس بی نیازی نسبت به منابع مالیاتی است، و دیگری هم ناتوانی نظام مالیاتی کشور در انجام کامل وظایف قانونی خود. جنابعالی نقش این دو عامل را چگونه ارزیابی می فرمایید؟

پاسخ سوال شما هم مثبت است، هم منفی. از یکسو، درآمدهای نفتی را می توان عامل منفی در اقتصاد و سیاست ایران دانست، زیرا درآمدهای نفتی دولت را از وابستگی به مردم و فعالیت های اقتصادی آنها تقریباً بی نیاز می سازد، چون حداقل هزینه های لازم برای تأمین بودجه عمومی و دفاعی را از این محل تأمین می نماید و بقیه احتیاجات مردم مثل بهداشت، آموزش و رفاه اجتماعی را هم می توان ضرورت درجه دو دانست. به تعبیری، عده ای وجود دولت های خودکامه یکصد سال اخیر را هم مرتبط با نفت و درآمدهای نفتی می دانند. اما از سویی دیگر، ما نمی دانیم که اگر درآمدهای نفتی نبود، کشور ما به چه سرنوشتی گرفتار می شد. آیا واقعاً مردم ما توانایی داشتند که مثلاً سالی ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار را از طریق تولید تأمین کنند؟ آنهم کشوری که به طور متوسط هر ۲۵ سال یکبار دچار تنش های تندی سیاسی - اجتماعی می شود و با آثار و تبعات منفی آن درگیر است؟

در مورد ناتوانی نظام مالیاتی کشور هم باید گفت

که سازمان امور مالیاتی کشور هم مانند هر نهاد دولتی دیگر متأثر از ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور است و عدم موفقیت آن ارتباط مستقیم با وصولی مالیات طبق برنامه پیش بینی شده دارد و از این حیث، این سازمان موفق عمل کرده است، اگر چیز بیشتری از آن انتظار دارید، باید ساختار اقتصادی کشور را دگرگون کنید، باید اقتصاد زیرزمینی را از بین ببرید، باید واردات و صادرات را کنترل کنید، باید بخش سنتی جامعه را متحول سازید تا با ابزارهای مدرن و نرم افزارهای رایانه ای آشنا شود، باید با وضع قوانین شداد و غلاظ، کسانی را که از پرداخت مالیات و دادن اطلاعات لازم خودداری می نمایند - مثل کشورهای غربی - حداقل از برخی از حقوق اجتماعی محروم کنید. بدیهی است که در این صورت، کارکرد سازمان امور مالیاتی کشور هم بهتر می شود.

درباره پیامدهای این تغییرات پیاپی چیست؟
ببینید، در قانون مالیات ها یک چیز کم است و آن هم ماده ای است برای رسیدن به درآمد واقعی یک مؤدی - خواه یک شخص حقیقی یا حقوقی. در واقع، هر چه ماده و تبصره هست، به چگونگی گرفتن مالیات در زمان ها و مکان های مختلف مربوط است. یعنی وقتی که مامور تشخیص داد که شما مثلاً فلان مبلغ درآمد داشته اید، آنوقت نحوه رسیدگی و عوارض و عواقب بعدی را قانون مشخص می کند، اما اصل، همان تعیین درآمد است. در حال حاضر، مامور تشخیص مجبور است که در میان دریایی از ابهامات، تعیین درآمد کند. کسبه، میزان فروش خود را اعلام نمی کنند. اگر هم میزان فروش مشخص باشد، سود آن مشخص نیست. دفترچه ضرایب مالیاتی سود اندکی را برای هر شغل و حرفه تعیین نموده، به طوری که



▲ در حال حاضر، مامور تشخیص مجبور است که در میان دریایی از ابهامات، تعیین درآمد کند.

صاحب نظران معتقدند که یکی از شاخصه های امنیت اقتصادی که لازمه پیشرفت اقتصادی است، ثبات نسبی در قوانین و مقررات است، به نحوی که فعالان اقتصادی بتوانند با خاطری آسوده به فعالیت های خود بپردازند، در حالی که دیده می شود که از سال ۱۳۶۶ که قانون جدید مالیات های مستقیم از تصویب مجلس گذشت، تاکنون چندین بار تب تغییر و اصلاح قوانین به صورتی افراطی گریبان قوانین مالیاتی را گرفته و همین نوسانات به عاملی منفی و بازدارنده در راه سرمایه گذاری های تولیدی تبدیل شده است، کماینکه باز هم در خلال سیاست گذاری های اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، دوباره بحث اصلاح نظام مالیاتی دیده می شود. نظر شما

و حتی اشخاص حقوقی به صرفه شان است که از ارایه مدارک و بیلان های مالی واقعی خودداری کنند و تن به تشخیص علی الراس بدهند. امروزه در عمل سود ۵۰ درصد نسبت به معامله هر کالایی متعارف است، اما اگر اداره دارایی بخواهد سود ۵۰ درصد را برای فروش واقعی اعمال ضریب نماید، غوغایی برپا می شود و هیچکس تن به کار و تولید نخواهد داد. مثلاً یک باب نانوائی در سطح تهران، اجاره اش حدود یک میلیون تومان در ماه است، یعنی یک کننده کار در وهله اول باید در ماه یک میلیون تومان مال الاجاره به کسی بپردازد که نانوائی از آن اوست. قاعدتاً همین مقدار هم خودش می برد، در صورتی که اداره دارایی مالیات ۲۰ سال پیش را می گیرد. شرکت ها و موسسات بزرگ هم به نحو دیگری عمل می کنند. خلاصه، اداره

دارایی مامشات می‌کند.

تغییر در قوانین هم بنا به همین ضرورت‌ها پیش می‌آید. اما مشکل در تغییر قانون نیست، مشکل در وضع قوانین غیرکارشناسانه و تقلیدی، و عدم‌الزام و تعهد کسانی است که خودشان در وضع آن قوانین بی‌تاثیر نبوده‌اند.

همچنین قانونی که ادبیات قانون‌نویسی در آن رعایت نشده، اشکالات عمده دارد و بعضی از مواد آن ناقض مواد دیگر است و خلاصه، حاصل ذوق و سلیقه کسانی است که از دور دستی بر آتش داشته‌اند، چاره‌ای جز تغییر ندارد. مجمع تشخیص مصلحت نظام هم متأثر از این امر مجدداً در فکر اصلاح نظام مالیاتی است.

❏ / به طوری که استحضار دارید، در سال ۱۹۱۸ برای اولین بار ایده اصلی مالیات بر ارزش افزوده در اروپا مطرح شد و به تدریج مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفت تا این که در اواخر دهه ۱۹۷۰ بسیاری از کشورها به این شیوه روی آوردند. بررسی سیر تحولات نظری در حوزه مالیه عمومی نشان می‌دهد که این ایده از سال ۱۳۶۶ در کشور ما هم مطرح شده و در دی ماه همین سال، لایحه مالیات بر ارزش افزوده به مجلس تقدیم شده است، اما هنوز که هنوز است، این موضوع به مرحله تصویب و اجرا نرسیده است. لطفاً بفرمایید که ویژگی‌های اساسی سیستم مالیات بر ارزش افزوده چیست؟ نسبت به سیستم‌های متداول جاری چه مزیت‌هایی دارد؟ و چرا تاکنون در ایران به اجرا درنیامده است؟ و چه عواملی مانع اجرای این سیستم شده‌اند؟ از طرف دیگر، آقای رییس سازمان امور مالیاتی کشور در مصاحبه‌ای گفته‌اند که مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایه‌های مالیاتی کشور براساس سیستم مالیات بر ارزش افزوده نهاده شده است. بنابراین، آینده این نظام را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ و آیا این مصوبه می‌تواند راه را برای تصویب و اجرای این سیستم مالیاتی هموار کند؟

❏ ساختار سیستم فعلی مالیات‌گیری در ایران، برپایه اخذ مالیات از تولید کالا و خدمات قرار دارد، ولی مالیات بر ارزش افزوده، اخذ مالیات بر مصرف است، البته مقصود این نیست که با وضع و اجرای قانون

مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر تولید کالا و خدمات متوقف می‌شود، بلکه دولت برای تامین منابع مالی جدید - مانند سایر کشورها - امید به اخذ مالیات بر مصرف دارد تا هم ممر جدید درآمدی کسب نماید و هم مصرف را کنترل کند.

تشکیلات مالیاتی ما هم از سال‌ها پیش با برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی، و نشر کتب جدید و تربیت نیروی انسانی لازم، خود را آماده برای این مهم می‌نماید. قانون آن هم قاعداً باید به زودی به تصویب مجلس برسد و پیش‌بینی می‌کنند که از اول سال ۸۴ عملی شود، ولی تصور نمی‌کنم که امکان پیاده کردن آن در سال ۸۴ به طور کامل وجود داشته باشد.

❏ مشکل در تغییر قانون نیست، مشکل در وضع قوانین غیرکارشناسانه و تقلیدی، و عدم‌الزام و تعهد کسانی است که خودشان در وضع آن قوانین بی‌تاثیر نبوده‌اند.

❏ / به‌طور سنتی متداول شده است که در لیست مشکلات نظام مالیاتی ایران به نکات زیر اشاره می‌شود:

- پایین بودن سطح فرهنگ مالیاتی،
 - بالابودن وقفه‌های مالیاتی (فاصله بین زمان مقرر برای پرداخت مالیات و هنگام پرداخت واقعی آن)،
 - زیادبودن معافیت‌های مالیاتی،
 - مدیریت ضعیف نیروی انسانی و ضعف نظام پاداش و تنبیه.
- لطفاً ضمن توضیح درباره کارکرد منفی هر یک از این عوامل، بفرمایید که در برنامه‌های آتی برای کاهش یا رفع این مشکلات چه تدابیری اندیشیده شده و چه راهکارهایی ارائه شده است؟

❑ عوامل منفی در تشخیص و وصول مالیات همه این عوامل هستند که شما نام بردید و من هم در کل گفتار خود به آنها اشاره کردم. مسلماً سطح نازل فرهنگ مالیاتی تاثیر زیادی دارد، اما در سال‌های اخیر دولت یک هفته را به عنوان "هفته فرهنگ مالیاتی" اعلام کرده است و وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور هم در این یک

هفته برنامه‌هایی را از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و همچنین چاپ کتاب و بروشور و انجام سخنرانی‌های ارشادی اجرا می‌کنند. اما باید در نظر داشت که سابقه اخذ مالیات در ایران سابقه‌ای منفی است و شاید ذکر یک خاطره، عمق این فرهنگ منفی را نشان دهد. نقل می‌کنند که در یکی از شهرهای جنوبی در حدود ۵۰ سال پیش، هر کس که بیماری بدی می‌گرفت و اطبا و حکیمان از درمانش عاجز بودند، بزرگان توصیه می‌کردند که مریض را که فرضاً زخمی یا سالکی داشته و درمان نمی‌شده، پیش رییس دارایی ببرند تا این آقای رییس دور آن زخم را "قلم ظلم" بکشد، چون حتماً آن زخم خوب می‌شود! خوب، با چنین سابقه‌ای و همچنین در شرایط فقدان ابزار کافی برای شناخت درآمد واقعی مودیان، کار فرهنگ‌سازی حتماً مشکل است.

اما مورد دیگری که اشاره کردید، یعنی وقفه‌های مالیاتی، هرچندکه برای تشکیلات مالیاتی منفی است، اما برای مودیان زیاد منفی نیست، چون اگر مالیات امسال را پنج سال دیگر پرداخت کنند، هرچند که به آن جریمه تعلق می‌گیرد، اما به علت تورم، برای مودیان زیاد بد نیست.

اما موضوع معافیت‌ها، موضوع ساده‌ای نیست. در برنامه سوم توسعه، دولت برای فراهم‌نمودن امکان رقابت بخش خصوصی، کلیه معافیت‌های شرکت‌های دولتی را لغو کرد. مسلماً اجرای معافیت‌ها برای تشکیلات مالیاتی کار ساده‌ای نیست، و اصولاً تصور نمی‌شود که معاف‌بودن از مالیات انگیزه کافی و لازم را برای سرمایه‌گذاری فراهم نماید. سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی به عوامل دیگری هم مرتبط است که معافیت‌های مالیاتی شاید در بین آنها از همه کم‌اثرتر باشد. چرا سرمایه‌داران ایرانی ترجیح می‌دهند که سرمایه خود را مثلاً در دبی به کار اندازند؟ آیا فقط موضوع مالیات سبب این فرار سرمایه بوده است؟ من تصور نمی‌کنم که در بین چند هزار شرکت ایرانی تاسیس شده در همین امارات، حتی یک مورد هم مساله مالیات به عنوان عامل موثر مطرح بوده باشد. از طرف دیگر، حالا که نرخ مالیات تثبیت شده و از ۵۴ درصد، به ۳۵ درصد تنزل یافته و موسسات حسابرسی جایگزین معیار مالیاتی شده‌اند، آیا سرمایه‌گذاری افزایش یافته است؟ معافیت‌ها هم که در قانون جدید در جای خود هستند؟

ضعف نیروی انسانی و ضعف نظام پاداش و تنبیه

هماهنگ پرداخت می‌باشند. هرچند که یکی از اهداف تشکیلات سازمان امور مالیاتی کشور در ابتدا، برقراری سیستم پرداخت حقوق و مزایای بیشتر برای این ماموران بود، اما در قانون تغییری حاصل نشد و اکنون به‌نظر نمی‌رسد که بدون رفع تنگناهایی که به‌طور مختصر به آنها اشاره شد، برقراری سیستم افزایش حقوق و مزایا یا پاداش تاثیر زیادی داشته باشد، هرچند که به هر حال، تامین وضعیت معیشت کارکنان مالیاتی، می‌تواند به‌طور موثری از تخلفات ماموران مالیاتی بکاهد.

■ / ضمن تشکر مجدد از شرکت در این گفتگو، ما هم امیدواریم که تنگناها به تدریج مرتفع شوند.

استیجاری - البته با رعایت الگوی ساخت مسکن که در تهران ۷۵ متر است - در طول مدت اجاره از ۱۰۰ درصد مالیات معاف می‌شوند.

چرا سرمایه‌داران ایرانی ترجیح می‌دهند که سرمایه خود را مثلاً در دبی به کار اندازند؟ آیا فقط موضوع مالیات سبب این فرار سرمایه بوده است؟

از لحاظ تنبیه ماموران خاطی هم سازمان امور مالیاتی کشور دارای تشکیلات دیگری علاوه بر دادگاه تخلفات اداری است، یعنی دادستانی انتظامی مالیاتی و هیات عالی انتظامی مالیاتی که به‌طور مستمر بر کارکرد ماموران مالیاتی نظاره می‌کنند و در موارد لزوم از طرف دادستان اقدام به صدور کیفرخواست برای مامور خاطی می‌شود و پرونده برای صدور رأی به هیات عالی انتظامی مالیاتی و به قوه قضاییه ارجاع می‌شود و ممکن است که عمل خلاف یک مامور در هر دو مورد رسیدگی و مشمول مجازات شود.

در مورد حقوق و پاداش هم سوال کرده بودید، معلوم است که کارکنان مالیاتی هم تابع نظام

هم می‌توانند جزو عوامل منفی بشمار آیند، اما اولاً، سازمان امور مالیاتی کشور با همکاری دانشکده امور اقتصادی از سطح فوق‌دیپلم تا فوق‌لیسانس نیروی انسانی برای کادر مالیاتی تربیت می‌کند؛ ثانیاً، هزاران ساعت آموزش قبل و ضمن خدمت برای جبران این نقیصه اجرا می‌شود. اما اگر شما دکترای اقتصاد هم باشید، برای تعیین درآمد یک بنگاه معاملات املاک، یا معاملات اتومبیل، چه می‌توانید بکنید؟ یا سود فروش یک خانه یا پاساژ با هزار مغازه چه مقدار است؟ هرچه باشد، اداره دارایی چاره‌ای ندارد مگر این که ارزش این ملک را که مثلاً برای سازنده یک میلیارد تومان تمام شده و یک میلیاردونیم تومان به فروش رفته، با قیمت ارزش معاملاتی که حداکثر ۱/۳ قیمت روز آن است، برآورد کند و پنج درصد مالیات آن را محاسبه نماید! چون اگر بخواهد که از قیمت واقعی آن مالیات بر نقل و انتقال بگیرد، بهای ساختمان به صورت نجومی بالا می‌رود. ملاحظه می‌کنید که در اینجا ضعف نیروی انسانی تاثیر نداشت، بلکه سیاست دولت مثلاً حمایت از ساخت‌وساز مسکن است، آنهم با معافیت‌های قانونی مثلاً برای تهران تا ۱۵۰ متر و در شهرستان‌ها تا ۲۰۰ متر، و یا مالکان مجتمع‌های مسکونی دارای بیش از سه واحد

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن: تحصیلات: شغل:

شماره‌های درخواستی: از شماره تا شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

مشترک‌گرامی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸